



آسیب شناسی فرایند کشف مصادیق نقض حقوق عامه

غلامعباس ترکی*، سیدعباس تقوی**

چکیده

یکی از نشانه‌های زیست مطلوب و حکمرانی متعالی در هر کشوری احترام به حقوق عامه افراد جامعه و تکامل آن می‌باشد که در سال‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایران به واسطه تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مطمح نظر قرار گرفته است. در این راستا جهت تعیین چارچوب نظری (پارادایم) و تبیین حقوق عامه باید ابتدا این حقوق و موانع تحقق آن شناسایی و موارد نقص و علل احتمالی دشواری در کشف آن به دقت احصاء گردد. لذا این تحقیق با هدف شناسایی و ترجمان آسیب‌های موجود در فرایند شناسایی و کشف نقض حقوق عامه نگارش شده است. تحقیق حاضر از نوع کیفی و به لحاظ روش اجراء، توصیفی-تحلیلی است. در این باره با توصیف دقیق مفهوم حقوق عامه، چیستی و چرایی آن بررسی، با داده‌های مربوط به شیوه اسنادی و با واکاوی دقیق قوانین، مقررات، اسناد موجود و بررسی نظریه‌های حقوق دانان و جرم‌شناسان صاحب نظر جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بررسی انجام شده مهم‌ترین عوامل شامل ضعف و عدم کفایت نظام حکمرانی مطلوب (اعم از حاکمیت قانون و ارزش‌های الهی، نظام انتصابات شایسته، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، مشارکت و سامانه‌های شفافیت و جریان آزاد اطلاعات)، اشکالات وارد بر شاکله نظام اداری و نظامات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضائی و خلأها و کاستی‌های قانونی در صیانت و پیگیری حقوق عامه، ضعف ضابطه‌مندی تشخیص مصادیق حقوق عامه، ضعف روش‌مندی و معیارمندی پاسخ‌های افتراقی و... باعث دشواری در فرایند کشف نقض حقوق عامه است. همچنین برای برون‌رفت از این چالش‌ها، بایسته‌هایی وجود دارد که باعث صیانت از حقوق عامه می‌شود.

واژگان کلیدی: حقوق عامه، سیاست جنایی، دادستانی، حکمرانی مطلوب، آسیب‌شناسی.

* قاضی دیوان عالی کشور. نویسنده مسئول.

mohamad2761366@gmail.com

** قاضی سازمان قضائی نیروهای مسلح استان تهران.

drseyedabbastaghavi1361@gmail.com

۱- مقدمه

حقوق عامه با شکل‌گیری جنین و سپس تولد فرد در هر جامعه‌ای به افراد آن تعلق می‌گیرد. از سویی امروزه در جوامع مدرن و توسعه‌یافته بشری مفهوم حقوق عامه، حفظ و توسعه آن در ابعاد مختلف حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از اهمیت روزافزونی برخوردار است، به‌طوری که هم نهادهای حاکمیتی و هم سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل از دولت در تلاش هستند تا این مفهوم حقوقی را در سطوح مختلف جامعه بسط و گسترش دهند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران و دکتین فقهی احصای دقیقی از موارد شمول حقوق عامه و گستره آن نشده و مصادیق آن همواره مورد اختلاف بوده و حقوق عامه در قالب عبارات و مفاهیمی که تاکنون از طریق قوانین و مقررات بیان شده، به خوبی و مبتنی بر قانون اساسی روشن نشده است (غمامی، ۱۳۹۷: ۷۵).

هرچند قانونگذار از ابتدای انقلاب اسلامی و با تصویب قانون اساسی به حقوق عامه توجه ویژه‌ای نموده است؛ ازجمله در بند دوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع از وظایف قوه قضائیه شناخته شده است. همچنین در فصل سوم قانون اساسی به حقوق ملت، در اصل چهاردهم و بیستم به حقوق انسانی و حقوق مختلف ملت به‌عنوان مصادیق حقوق عامه اشاره شده است. اگرچه مصادیق حقوق عامه به موارد مذکور در قانون اساسی محدود و محدود نیست، لیکن در قسمت اخیر اصل ۹ قانون نیز تأکید گردیده است که «... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب نماید.» قوه قضائیه به‌عنوان خاستگاه عدالت‌خواهی و مسئول احیای حقوق عامه در شرح وظایف ذاتی خود موضوع را به‌صورت جدی در دستور کار خود قرار داده است. در این راستا این قوه در مسیر ریل‌گذاری و تدوین سیاست جنایی تقنینی و تهیه اسناد لازم‌الاجرا در ماده ۱ دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب سال ۱۳۹۷ تصویب و نسبت به تعریف حقوق عامه اقدام کرده است.

احیای حقوق عامه برابر بند ۱۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی رسالت قوه قضائیه بوده که بر مبنای تأکید مقام معظم رهبری در سایه اندیشه‌های قضائی معظم‌له و با پیگیری رؤسای قوه قضائیه مورد توجه بوده است. اما با توجه به شرایط خاص کشور همواره صیانت احیاء و اعاده حقوق عامه سخت و دچار چالش بوده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات این حوزه فقدان شناسایی موارد نقص این حقوق در بازه زمانی بهنگام و مناسب است؛ زیرا این تأخیر در کشف نقص و تضییع حقوق مذکور، در بسیاری موارد باعث از بین رفتن این حق یا آثار آن می‌گردد. پیشینه حقوق عامه و پژوهش درباره آن از دغدغه‌های محققان در رشته‌های مرتبط مانند حقوق، جرم‌شناسی، علوم اجتماعی و... بوده است و تحقیقات در این زمینه صورت گرفته اما در موضوع «آسیب شناسی فرایند کشف مصادیق حقوق عامه» پژوهش مستقلی

صورت نگرفته است. در این راستا به‌عنوان پیشینه پژوهش می‌توان به مقاله «موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران» به قلم محمود عباسی، آرین پتفت و سیدطه موسوی (۱۴۰۰) اشاره نمود که در آن به مهم‌ترین موانع تحقق احیای حقوق عامه که عبارتند از: ابهام در مفهوم و تعبیر قانونی، نارسایی در قوانین، بی‌توجهی به مقوله تفکیک نظارت و دادرسی، تداخل وظایف قوا، مشکلات اجرایی و ابهام در عملیاتی یا ستادی بودن دادستانی کل به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و سپس راهکارهای تحقق مطلوب آن ارائه شده است.

همچنین در «کتاب حقوق شهروندی؛ از مبانی و خاستگاه تا بستر اجتماعی» نوشته آقایان محمود عباسی، آرین پتفت و سیدطه موسوی، در مورد جایگاه حقوق شهروندی به‌عنوان یکی از موارد حقوق عامه و همچنین گفتمان انقلاب اسلامی به شرح و تفصیل پرداخته است.

در زمینه «سازوکارهای رفع موانع حقوق عامه» پژوهشی به قلم کیان بیگلربیگی که در پاییز و زمستان ۱۳۹۸ نگاشته شده است، به بررسی سازوکارهای مذکور در راستای تضمین حقوق عامه و موانع تحقق احیای آن و سپس راهکارهایی برای رفع موانع پرداخته است.

همچنین در مقاله گردآوری‌شده به‌عنوان «درآمدی بر توان‌سنجی قوه قضائیه در مشارکت‌پذیری شهروندان در پرتو احیای حقوق عامه» توسط حسین عبدی و ولی رستمی در بهار ۱۴۰۱ به‌نحوه تکوین و تطور قوه قضائیه در حقوق عمومی ایران معاصر پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که برای تحقق این مأموریت و ایجاد زمینه‌های امکان تحقق احیای حقوق عامه، نیاز به تجدید گفتمان و تغییر پارادایم است.

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا جایگاه حقوق عامه در سیاست جنایی تقنینی شامل قوانین و مقررات، اسناد بالادستی و اندیشه‌ها و فرامین مقام معظم رهبری شناسایی و علل نقص این حقوق و چرایی عدم کشف آن مشخص و تحلیل گردد.

۲- مفهوم‌شناسی تحقیق

۲-۱- سیاست جنایی

اصطلاح سیاست جنایی به‌عنوان یک رشته مطالعاتی علمی، اولین بار توسط دانشمند آلمانی فون‌رباخ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۳۳ میلادی منتشر گردید، استفاده شده است (ترکی، ۱۳۹۹: ۱۸۵). سیاست جنایی به‌عنوان یک رشته علمی جدید، با موضوع کنش و واکنش علیه پدیده مجرمانه بیش از یک دهه است که در محافل دانشگاهی ایران به‌صورت جدی مورد توجه دانش‌پژوهان قرار گرفته است. افزایش تعداد مقالات، کتب و پایان‌نامه‌های دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری گواه این موضوع است.

به عقیده نگارنده سیاست جنایی شامل تمامی قوانین، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و سایر منابع حقوق کیفری می‌باشد که به‌عنوان یک برنامه جامع علیه پدیده مجرمانه یا منحرفانه اعم از انحرافات اجتماعی و جرم مورد تدوین قرار گرفته است. درواقع سیاست جنایی به‌عنوان مجموعه روش‌های اتخاذشده از سوی دولت و جامعه در جهت پیشگیری و کنترل پدیده مجرمانه و نشان‌دهنده نوع نگرش هر حکومت به جرم، مجرم و مجازات است (ترکی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۶). همچنین سیاست جنایی مجموعه‌ای از تدابیر کیفری و غیرکیفری است که وقوع پدیده‌های بزهکاری و حتی تشکیل کانون‌های انحراف تا پاسخ‌های جزایی و غیرجزایی را در بر دارد. یکی از اهداف سیاست جنایی، ارتقای سطح هنجارمحوری جمعی و صیانت از امنیت ملی جوامع است که راهبردهای این سیاست را به‌ناچار به استخدام تدابیر امنیت‌مدار وادار می‌سازد (مندنی، ۱۳۹۴: ۳۶).

متخصصان این رشته سیاست جنایی را به شاخه‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی اجرایی، سیاست جنایی قضائی و سیاست جنایی مشارکتی نام برد. منظور از سیاست جنایی تقنینی فعالیت و مقررات و اصولی است که در قوانین عادی با الهام از قانون اساسی توسط مقنن پیش‌بینی می‌شود (نجفی‌توانا و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

۲-۲- حکمرانی مطلوب

شاخص‌های حکمرانی مطلوب حاکمیت قانون و ارزش‌های الهی، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی عدالت‌همگانی، مشارکت، شفافیت، نظام انتصابات شایسته و... می‌باشد (ترکی، ۱۳۹۹: ۹۱). از طرفی میل و اشتیاق به ایجاد نظام مدیریت مبنی بر قواعد حاکمیت از جمله جواب‌دهی، قانونمندی و یادگیری در تمام سطوح اداره کشور، توانمندی حاکمیت مطلوب را ایجاد می‌کند. ارائه تعریفی از حکمرانی، چالشی ظریف و پیچیده است. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم با مفهوم حکمرانی بخوبی آشنا شویم، باید بفهمیم که حکمرانی چیست؟ حکمرانی مشابه دولت نیست. حکمرانی موضوعی است درباره نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط این‌ها با شهروندان و چگونگی اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده است. بخش خصوصی و جامعه مدنی هستند که هر یک سهمی مشخص در اداره مطلوب جامعه برعهده دارند. با توجه به اینکه مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، مفهومی هنجاری است، در نتیجه مبتنی بر ارزش‌ها و خاستگاه ذهنی نظریه‌پردازان طرح و ارائه خواهد شد (ایوبی‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۱).

۲-۳- چستی حقوق عامه

حقوق عامه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حقوق شهروندی و حقوق بشر قرابت دارد،

اما در حقوق کیفری بیانگر مصداقی از مصلحت عمومی است و در فقه امامیه نیز در معانی متعددی به کار رفته است که معنای اصلی به کار گرفته شده در آن با مفهوم به کار رفته در حوزه حقوق اساسی و حقوق کیفری متفاوت است. در واقع می توان گفت حقوق عامه همچون ظرفی است که مظروف آن هر حقی است که به زیست جمعی انسان مرتبط است. (اصحابی و پروین، ۱۴۰۱: ۵۸) گستره حقوق عامه بیشتر از حقوق شهروندی است؛ بنابراین حقوق عامه الزاماً از موضوعات خاص حقوق شهروندی نیست، مانند حقوق عامه در امور اقتصادی، بانکی، صنایع، معادن و بازرگانی، سلامت اداری و مقابله با فساد، اما حقوق شهروندی در مواردی که دارای کلیت است قطعاً جزء مصادیق حقوق عامه محسوب می شود. سند امنیت قضائی قوه قضائیه بخشی را به وظیفه احیای حقوق عامه اختصاص داده است و در آن تضمین آن‌ها را از ضروریات وظایف نهاد داد ستانی دیده است. احیای حقوق عامه یکی از وظایف قوه قضائیه در بند دوم اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی است. این قوه در مرحله تصمیم سازی و صدور مصوبات قضائی و مراجع فراقوه‌ای که در آن عضویت دارد برای حفظ حقوق اساسی مردم، موضوع اصول نوزدهم تا چهل و سوم قانون اساسی، مانند تأمین امنیت یا سلامت و بهداشت عمومی و یا حمایت از تولیدات داخلی و یا حقوق مصرف کنندگان در تصمیمات مراجع مذکور اهتمام لازم را خواهد داشت.

۲-۴- یقه سفید

مجرم یقه سفید به فردی اطلاق می شود که با سوء استفاده از موقعیت شغلی قانونی خود، با ارتکاب اعمال غیرخشن به ظاهر قانونی منابع غیرقانونی به دست می آورد (سلیمی، ۱۳۹۱: ۵۵). مهم ترین مصادیق جرائم ارتكابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشاء)، جرایم کاری و استخدامی، جرائم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان، جرائم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرائم زیست محیطی، جرائم رایانه‌ای و جرائم گمرکی (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲۳۹). درباره مجرمین یقه سفید تحقیقات اندکی انجام شده و علت موفقیت آن‌ها در ارتکاب جرایم نرم در سطح کلان نیز در سایه این مطلب رخ می دهد. نهادهای عدالت کیفری که وظیفه پاسخ دهی به جرم را برعهده دارند مرکز اصلی مطالعات جرم شناختی خود را به مجرم اختصاص داده اند. بزه دیدگان جرم نسبتاً توسط نظام عدالت کیفری و همچنین جرم شناسان به فراموشی سپرده شده اند از طرف دیگر قالب مطالعات بزه دیده شناسی در سال های اخیر بر بررسی جرائم خشن متمرکز بوده و در این میان مطالعات اندکی به بررسی بزه دیده شناختی جرائم یقه سفیدها پرداخته اند (قورچه بیگی، ۱۳۹۴: ۲۱۷).

۲-۵- جایگاه حقوق عامه در اندیشه های رهبر معظم انقلاب اسلامی

اندیشه ها و تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان ولایت امر، مسیر اصلی حرکت جامعه را در

تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تعیین می‌کند. نظام حکمرانی قضائی از موضوعاتی است که با نظام اسلامی پیوند خورده است و همواره مورد تأکید و توجه رهبری معظم انقلاب بوده است و این به واسطه اهمیت عدالت در نظام خلقت و نیز فلسفه اصلی انقلاب اسلامی یعنی برقراری عدالت اجتماعی و اجرای احکام الهی در جامعه می‌باشد. معظم‌له در مناسبت‌های مختلف به اهمیت احیای حقوق عامه اشاره و تکالیفی را برای دستگاه قضائی و دیگر قوا تعیین فرموده‌اند از جمله فرمایشات ایشان مرتبط با این موضوع به قرار ذیل است:

رهبر معظم در بیانات خود در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در دوازدهم تیر سال ۱۳۹۶ قوه قضائیه را پرچمدار احیاء و استیفای حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع معرفی می‌کنند. «احیاء و استیفای حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع مردم از وظایف مهم قوه قضائیه است و این قوه باید پرچمدار این موضوعات باشد و با مخالفان و معارضان حقوق عمومی در هر جایگاهی مقابله کند».

در این خصوص توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

۱- اگرچه در بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع از وظایف قوه قضائیه دانسته شده است لیکن این اصل نافی وظایف و مسئولیت‌های سایر قوا در این زمینه نیست؛ زیرا آنکه به موجب سایر اصول قانون اساسی از جمله اصل سوم و اصول ۳، ۴۵، ۴۴ و ۵۰ و همچنین در فصل سوم تحت عنوان «حقوق ملت» تکالیف متعددی برای سایر قوا مقرر شده که این تکالیف از طریق وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی مختلف موقعیت اجرایی می‌یابد.

۲- در بیانات رهبری معظم به احیاء و استیفای حقوق عامه تصریح گردیده و از وظایف دستگاه قضائی دانسته شده است که بسیار دقیق و متقن است؛ زیرا تکلیف نظام اسلامی در خصوص عامه شامل مراحل و فرایندهایی است.

الف: شناسایی حقوق و تعیین ضمانت اجرا (وضع قاعده حقوقی) با رعایت حقوق و قواعد مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برعهده مجلس شورای اسلامی است که از طریق وضع قانون و تعیین سازوکار اجرایی، تطبیق مصوبات دولت با قانون در هیئت بررسی و تطبیق و نظارت بر طرز کار دستگاه‌ها از طریق کمیسیون اصل ۹۰ و... این تکلیف را اعمال می‌نماید. بدیهی است اگر دولت محدودیت یا تضییعی برای حقوق مردم فراهم کند، مجلس می‌تواند مصوبه مذکور را لغو کند همچنین ساختار و سازوکار اجرایی حفظ، صیانت و احیای حقوق عامه را مجلس تدوین می‌نماید.

ب: ایفا و اجرای حقوق عامه: این وظیفه با لحاظ اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران از جمله اصل سوم برعهده قوه مجریه است و وزارتخانه‌های مختلف و دستگاه‌های اجرایی حسب مورد در این زمینه در حدود مأموریت خود مسئولیت دارند. مانند وزارت آموزش و پرورش در مورد ایفا و اجرای عدالت آموزشی، وزارت بهداشت در مورد حقوق مردم بر سلامت و بهداشت عمومی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط‌زیست در مورد حق بر سلامت محیط‌زیست سالم و امنیت غذایی...

پ: استیفا و احیای حقوق عامه: در مواردی که به واسطه ترک فعل و عدم ایفای تکالیف قانونی دستگاه‌ها حقی از حقوق عامه در مرحله نقض یا فوت قرار گیرد؛ یعنی اقدام کافی و مناسب توسط دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های متولی حفظ و ایفا و اجرای حقوق عامه انجام نشده باشد، قوه قضائیه دخالت می‌کند. البته علاوه بر این‌ها نهاد دادستانی به عنوان مدعی‌العموم وظیفه مطالبه‌گری حقوق عامه و نیز اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از نقض این حقوق و تعقیب قانونی نقض‌کنندگان را با رعایت ترتیبات قانونی برعهده دارد. از این رو قوه قضائیه به عنوان نهاد اصلی مطالبه‌گر و احیاءکننده حقوق عامه محسوب می‌شود و در این معنا نباید در جایگاه مجری قرار گیرد (راعی و زمانیان جهرمی، ۱۳۹۶: ۱۹۶-۱۷۵).

۲-۶- جایگاه حقوق عامه در سند تحول قضائی

منظومه فکری رهبری معظم انقلاب در رابطه با قضا موجب گردید سند تحول قضائی به عنوان نقشه راه دستگاه قضائی در سال ۱۳۹۷ تدوین و ابلاغ گردد و در سال ۱۳۹۹ با اصلاحاتی ارتقاء یافت. این سند که به تأیید کلی مقام معظم رهبری رسیده به عنوان یکی از اسناد راهبردی و بالادستی دستگاه قضائی بوده و معظم‌له همواره به شکل‌گیری دستگاه قضای اسلامی و حرکت دائم به سمت نظام قضائی مطلوب و اجرای عدالت در عمل تأکید فرموده‌اند. در سال ۱۴۰۳ با توجه به آسیب‌شناسی انجام شده و ضرورت بازنگری و روزآمدسازی سند «سند تحول و تعالی قوه قضائیه مصوب ۱۴۰۳» توسط ریاست محترم قوه قضائیه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژیه ابلاغ گردید.

در این سند احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع به عنوان مأموریت دوم دستگاه قضائی بیان و چالش‌های عمده در این زمینه شامل فراوانی مصادیق تضییع حقوق عامه، کثرت مصادیق تضییع حقوق ایران و ایرانیان در عرصه بین‌المللی مورد تصریح قرار گرفته است و برای هر کدام از چالش‌های مذکور عوامل آن، راهبردها و راهکارهایی آمده است.

۳- روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی و به لحاظ روش اجرا، توصیفی - تحلیلی است. در این

پژوهش، با تحلیل، در این راستا، با واکاوی دقیق قوانین، مقررات، اسناد موجود و بررسی نظریه‌های حقوق‌دانان و جرم‌شناسان صاحب‌نظر، داده‌های مربوط را جمع‌آوری و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات موجود پرداخته شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- آسیب‌شناسی احیای حقوق عامه و کشف نقض آن:

با تحلیل وضعیت موجود و در نظر گرفتن انتظارات رهبری معظم انقلاب در زمینه حقوق عامه و ترسیم وضع مطلوب از منظر نظام حکمرانی مطلوب و ساختار حقوقی مناسب برای احیای حقوق عامه و کشف موارد نقض آن آسیب‌های وجود دارد مهم‌ترین این آسیب‌ها عبارتند از:

الف- ضعف در رویکرد های اساسی

رویکرد های قدیمی، سنتی، منفعل، غیر پیشگیرانه، واکنشی و نبود نگاه جامع و فقدان رویکرد حل مسئله از جمله آسیب‌های عمده در این زمینه محسوب می‌شود. همچنین وجود و غلبه رویکردهای تنبیهی و سزادهی در نظام عدالت کیفری به جای توسعه و تعمیق رویکردهای ترمیمی اعم از ترمیم وضعیت بزه‌دیدگان و آسیب‌دیدگان اجتماعی، ترمیم و اصلاح بزه‌کاران و ترمیم ساختارهای ناقض حقوق عامه از اشکالات عمده در این زمینه می‌باشد.

ب- ضعف امنیت حقوقی و قضائی

امنیت حقوقی به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق عمومی دارای جایگاهی ویژه در نظام‌های حقوقی است. این اصل مهم مؤلفه‌های مشخصی دارد که در دو حوزه عمده ضامن کیفیت قوانین و نظام حقوقی و ضامن وضعیت حقوقی شهروندان قابل بررسی است. بررسی این دو زمینه در تحقق حقوق عامه کمک شایانی می‌کند و تاکنون توجه چندانی به نقش این اصل و مؤلفه‌های آن در تحقق حقوق عامه نشده است. اصولی مانند شفافیت، انسجام و سهولت دسترسی به قوانین، اعتماد مشروع، اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و عطف به ماسبق نشدن قوانین و احترام به حقوق مکتسبه، می‌تواند حقوق عامه را در بخش صیانت از آزادی‌های فردی مشروع و گسترش آنان، مطابق تکلیف اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین نماید. تکلیفی که صراحتاً برعهده حاکمیت و به‌ویژه برعهده قوه قضائیه است.

اصول حاکم بر هر نظام حقوقی، استحکام و دوام قوانین، شفافیت و پویایی حقوقی، توانایی ایجاد حسن عدالت و امنیت در جامعه و میزان حمایت از حقوق عامه و آزادی‌های مشروع و گسترش عدالت در جامعه است. یکی از مهم‌ترین این اصول، اصل امنیت حقوقی و قضائی است اصول ناظر بر امنیت

حقوقی غایت مشترکی دارند که شامل اعتماد به قانون و نظام قضائی، مرجع‌بودن نظام قضائی و احساس امنیت و آرامش می‌باشد. (حسینی نصرآبادی و ناروقه، ۱۳۹۸: ۱۴۲-۱۱۹)

پ- ضعف مشارکت عمومی

همان‌طور که مشارکت مردم در حفظ و صیانت از حقوق عامه جهت پایش و نظارت در جهت جلوگیری از نقض و مصادیق آن، موجبات کامیابی آن را به ارمغان می‌آورد، از طرفی هم تعقیب و پی‌جویی این موارد با چالش‌ها و فرازوفرودهای خاصی مواجه می‌گردد. از عمده‌ترین این چالش‌ها، زیرساخت‌های معیوب و مشکلات خرد و کلان در شاکله نظام اداری و ساختار و چرخه‌های ناقص و معیوب در راهبری و مدیریت کلان هستند. باتوجه به اینکه نظام اداری در سطح کلان اصولاً نامشارکتی می‌باشد و همچنین وجود عملکردهای راهبردی در سه حوزه قانونگذاری، اجرا و قضا و نیز مدیریت شهری از حضور آحاد مردم استقبال جدی به عمل نیاورده و موانعی را برای حضور جامعه مردمی در تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌کنند. به عنوان نمونه سامپسون، مورنف و گانن-روولی بیان می‌دارند که مشکلات محلات؛ مشارکت اجتماعی مردم در امور اجتماعی را بسیار دشوار می‌کند. مشارکت به دلیل، ظرفیت‌های موجود برای تضعیف انسجام اجتماعی، تضعیف روابط اجتماعی و کارآیی جمعی پایین همراه با عدم تحقق وعده‌هایی که توسط افراد مسئولان در ابتکارات قبلی داده شده است، باعث می‌شود افراد در سطح محلات تمایلی به شرکت در برنامه‌های جدید نداشته باشند. لذا نقش مدیریت شهری نه تنها از دیدگاه شهرسازی بلکه از دیدگاه جامع صیانت از حقوق مردم در عرصه‌های مختلف حائز اهمیت است.

ت- ضعف انسجام و هم‌گرایی ساختارهای موجود

انسجام، یکپارچگی و هم‌گرایی ساختارهای مسئول برای کنترل اجتماعی ضروری است؛ ساختارهای دولتی و رسمی هم‌گرایی لازم را در فرایندهای مختلف شناسایی، ایفا و اجرا و نیز احیاء و استیفای حقوق عامه و مقابله با موارد نقض آن ندارند. در نتیجه عملکردها، نتایج قابل‌قبولی را به همراه نداشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد به علت جزیره‌ای عمل کردن دستگاه‌های مختلف و عدم هم‌گرایی مابین نهادهای مسئول به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، تاکنون نتایج مثبتی حاصل نشده است. بانک مرکزی، سازمان حسابرسی، دیوان محاسبات کشور، سازمان تعزیرات حکومتی، دفاتر ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات، سازمان بازرسی کل کشور، بازرسی ویژه ریاست جمهوری، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، سازمان ملی استاندارد، هیئت عالی نظارت، هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی، سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان، دادستانی، دادسرای انتظامی قضات، دفتر اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی، دفتر صیانت از حقوق

شهروندان و... از جمله دستگاه‌هایی هستند که وظایف اجرایی و نظارتی متعددی را برعهده دارند اما انسجام و هم‌گرایی کافی را ندارند.

ث- ضعف روشمندی، هوشمندی و اثربخشی نظارت‌ها

در تعریف نظارت می‌توان گفت: این فرایند عبارت است از انعکاس نظام‌مند و مستمر بازخوردهای محیطی به منظور ارتباط سطح سلامت و کارآمدی. گستره زمانی نظارت می‌تواند مربوط به اتفاقات گذشته باشد (نظارت واکنشی ۱)، مربوط به برهه زمانی کنونی باشد (نظارت کنشی ۲) و یا مربوط به زمان آینده باشد (نظارت فراکنشی ۳) برابر اصل ۱۷۴ قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین و نظارت بر حسن جریان امور تشکیل گردیده است و علاوه بر آن دستگاه‌های متعدد دیگری مانند نهادهای امنیتی، انتظامی، سازمان حسابرسی، دیوان محاسبات و مانند آن وظایف نظارتی را به موجب قانون برعهده دارند. در این میان سازمان بازرسی کل به عنوان فراگیرترین دستگاه نظارتی کشور محسوب می‌گردد. تبصره اصلاحی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ ماده (۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مقرر می‌دارد «نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر و منظم و هدفدار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول ماده (۲) این قانون، تجزیه و تحلیل آن‌ها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادها مناسب در جهت حسن جریان امور» بنابراین سازمان مذکور نظارت بر اصل حاکمیت قانون و عدم تخطی از آن را برعهده دارد و در ادامه این وظیفه، چنانچه شاهد انحراف و نقض حقوق عامه گردد، باید پیشنهادها لازم و متناسب را برای اصلاح امور (اصلاح ساختارها و فرایندهای منجر به نقض و جبران نقض حقوق) ارائه دهد و این پیشنهادها برابر ماده ۱۰ همان قانون برای دستگاه‌های اجرایی الزام‌آور محسوب می‌شود. لذا صرف اعلام تحقق موارد نقض دامن‌دار و مزمن و تعقیب برخی ناقضان، بدون چاره‌اندیشی برای حل مسئله، حاکی از تداوم ساختارها و فرایندهای نقض‌کننده حقوق عامه می‌باشد. این مسئله از چالش‌های اساسی فراوانی و استمرار نقض حقوق عامه می‌باشد که نیازمند آسیب‌شناسی قوانین و اثربخشی عملکرد دستگاه‌های نظارتی است.

ج- سایش و فرسایش سرمایه اجتماعی ضعف رضایتمندی، اعتماد عمومی

اعتماد از جمله ارکان اساسی تعیین‌کننده مشارکت است. هرچقدر که میزان اعتماد افراد به یکدیگر و در کل اعتماد اجتماعی افزایش یابد، مشارکت در امور خیر و طرح‌های اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت؛ فقدان همین مؤلفه خود نیز یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری انزوای اجتماعی است. ریشه این مفهوم را باید در سرمایه اجتماعی جستجو کرد. سرمایه اجتماعی بر فرایند توسعه انسانی و

اجتماعی، تسهیل کنش‌ها، توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، احساس سلامت، رضایت و شادی افراد مؤثر است. «فوکویاما» در تعریف سرمایه اجتماعی دو جنبه عینی و ذهنی، یعنی شبکه روابط رسمی و غیررسمی و اعتماد اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. وی کارکرد اصلی سرمایه اجتماعی را تسهیل همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف فردی و جمعی و کمک به توسعه اقتصادی- سیاسی و فرهنگی می‌داند. همچنین مشارکت مردم در مسائل اجتماعی به رضایت عموم مردم از عملکرد دستگاه قضائی ارتباط دارد. مفهوم نارضایتی نقطه مقابل رضایت عمومی است.

چ- ضعف تولید گفتمان و فقدان الگوهای جامع همکاری بین دستگاهی و مشارکتی

گفتمان سازی مجموعه‌ای از گفتارهاست که حول یک محور مشخص دور می‌زند؛ به عبارت دیگر گفتمان، بازنمایی نوعی، خاص از معرفت درباره یک موضوع است که به آن موضوع جهت و سمت و سو می‌دهد و در جریان عمل اجتماعی، به صورت تبادل گفتار و معنا بین افراد جامعه ایجاد می‌شود. گفتمان معرفت افراد را نسبت به موضوعی بازنمایی می‌نماید و قدرتی دارد که افراد را به انجام کاری وادار می‌کند؛

گفتمان سازی در اصل، فرایند تبدیل و یا ورود نظریه یا گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به ادبیات رایج جامعه و زندگی مردم است که با شناخت جامعه هدف و استفاده از ابزار رسانه و آموزش صورت پذیرفته و تلاشی است برای همگانی سازی، عمومیت بخشی و درونی سازی پدیده الگویی خاص که اغلب زمان بر و فرایندی است. هدف اساسی گفتمان سازی، ایجاد اراده تغییر است که این امر جز با تصویر سازی مثبت از پیشرفت به عنوان خیر عمومی در اذهان اعضای جامعه و حس دوری گزینی از عقب ماندگی‌های کنونی اتفاق نمی‌افتد. یکی از گام‌های اولیه برای افزایش مشارکت اجتماعی در کنترل اجتماعی، گفتمان سازی راجع به حقوق عامه و مشارکت در پیشگیری از موارد نقض این حقوق است.

تحلیل و بررسی جرائم آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد که الگوهای دولتی مقابله با بزهکاری آسیب‌های اجتماعی شکست خورده است و ادامه این روند و مشارکت ندادن مردم در مسائل اجتماعی نیز یکی از موانع توسعه است. الگوی غالب در دستگاه قضائی و نهادهای اجرایی در کنترل اجتماعی، پیگیری راهبردهای نامشارکتی است. مشخص است که نظام اداری و قضائی ایران در راستای مشارکت پذیری بیشتر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، نیازمند تغییر رویکرد جدی است.

ح- ضعف ضابطان تخصصی

باتوجه به ضرورت مواجهه تخصصی با جرائم، روند واکنش به جرائم در حال افتراقی شدن است.

تعیین قضات ویژه، وکلای مورد اعتماد، بهره‌گیری از کارشناسان و ضابطان تخصصی، کوتاه‌شدن زمان ابلاغ اوراق قضائی و تأکید بر رسیدگی سریع، شواهد عینی بر این موضوع است و در این میان، نگاه به وظایف ضابطان تغییری نکرده است. به این معنا که واگذاری امور به این قشر همچنان به سلیقه مقام قضائی بوده و حسب مورد به فراجا، واجا یا سازمان اطلاعات سپاه واگذار می‌شود.

۴-۲- بایسته‌های اساسی در احیای حقوق عامه و کشف نقض آن

اگرچه در زمینه صیانت از حقوق عامه در سال‌های اخیر قوه قضائیه و دیگر قوا گام‌های بلندی برداشته شده است، لیکن باتوجه به مطالب پیش‌گفته وضعیت موجود با وضع مطلوب از منظر نظام حکمرانی مطلوب و ساختار حقوقی مناسب برای احیای حقوق عامه و کشف موارد نقض آن فاصله زیادی مشاهده می‌شود. برخی بایسته‌ها برای کاهش فاصله موجود و رفع و کنترل آسیب‌ها از نظر محقق عبارتند از:

الف- بایسته اصلاحات رویکردی

از بایسته‌های مهم برای احیای حقوق عامه و تشخیص موارد نقض، اتخاذ رویکرد مواجهه فعال و پیشگیرانه است. در این زمینه فصل سوم مبحث سوم از سند تحول قضائی به چرخش‌های تحول‌آفرین اشاره دارد چرخش‌های تحول‌آفرین در جهت‌گیری‌های کلان قوه قضائیه است که چارچوب اصلی این چرخش‌ها عبارتند از همکاری و هم‌افزایی سازنده و مؤثر با سایر قوا به جای نگاه بخشی به قوه قضائیه، مواجهه فعال و ایجابی به جای مواجهه منفعل و پسینی در حکمرانی قضائی، غلبه رویکرد گسترش‌دهنده عدل و حامی حقوق عمومی و آزادی‌های مشروع به جای رویکرد دادخواست محور و اکتفا به انجام حداقلی، مدیریت مشارکت جو و مردم‌محور به جای محافظه‌کاری و مصلحت‌اندیشی، رویکرد نظارت‌های مستمر، همه‌جانبه، هوشمند و همگانی به جای نظارت‌های گذشته‌نگر و موردی، و همچنین نظارت‌های همه‌جانبه، پیشرو و تهاجمی در حوزه حقوق بشر و بهره‌مندی از دانش‌های نو، بین رشته‌ای و تجارب جدید بشری.

ب- بایسته امنیت حقوقی و قضائی

اصل امنیت حقوقی به تبیین وضعیت حقوقی شهروندان می‌پردازد، به این معنا که هر شهروند به‌صرف تعلق به جامعه باید از وضعیت حقوقی معین و مشخصی برخوردار باشد و خود نیز از این وضعیت حقوقی و توالی آن آگاه باشد. اصل امنیت حقوقی از آن‌رو اهمیت می‌یابد و به‌عنوان پیش‌شرط تحقق حقوق و آزادی‌های شهروندی مطرح می‌شود که بهره‌مندی هر شهروند از این حقوق و آزادی‌ها منوط به آن است، که هر شهروند از وضعیت حقوقی خویش، حق‌ها و تکالیف ناشی از آن آگاه بوده و از این وضعیت بهره‌مند گردد. این اصول و مؤلفه‌ها مستندات محکمی در فقه همچون قبح عقاب بلا بیان، اصل برائت،

حرمت مال، جان و عمل انسان و قاعده لا ضرر و... دارند. اصل امنیت قضائی نیز به این معنا است که مردم در مراجعه به دستگاه قضائی، از اصول دادرسی منصفانه و عادلانه بهره‌مند شوند و در مراحل مختلف دادرسی احساس امنیت، آرامش، اعتماد نمایند و نظام قضائی را ملجأ بدانند.

این اصول در تحقق حقوق عامه جایگاه مشخصی دارند که می‌تواند از طریق نهاد دادستانی مورد حمایت قرار گیرند و از این طریق از وضعیت حقوقی و کیفیت قواعد حاکم بر حقوق آن‌ها توسط نهادهای اداری کشور حراست نمود. در برخی موارد ضمانت اجرایی نیز برای آن در قوانین متفاوت اشاره و تصریح شده است که جا دارد نهاد دادستانی در این امور ورود کرده و پیگیری‌های قانونی را انجام تا از اصل امنیت حقوقی و قضائی شهروندان حفاظت گردد.

قوه مقننه به عنوان نهادی که واضح و ناظر اجرای قوانین است و همچنین مسئولیت تنقیح قوانین را برعهده دارد، دارای نقش اساسی در حمایت از امنیت حقوقی شهروندان می‌باشد. نهاد دیگر ملزم به رعایت اصل امنیت حقوقی قوه مجریه است. این نهاد به دلیل عهده‌دار بودن ابتکار لوایح قانونی و مدیریت اعمال اداری ارتباط گسترده‌ای با تحقق امنیت حقوقی است، بی‌گمان ضابطه‌مند کردن تدوین لوایح و اختیارات‌گزینشی در بخش مدیریت اعمال اداری ضامن حفظ امنیت حقوقی شهروندان از سوی این قوه خواهد بود.

پ- بایسته مشارکت عمومی

هموارکردن و برطرف کردن یکایک نقص‌های رؤیت‌شده نیازمند همفکری و تجمیع مردمی برای رویارویی با نابسامانی‌های موجود در دو سطح خرد و کلان می‌باشد و نیازمند ارائه ایده‌های راهبردی و تصمیم‌گیری‌های شایسته است. نمونه‌ای از این راهبردها ایجاد زمینه دانایی در بین مردم و همچنین بسترسازی برای مشارکت و حضور مردمی نسبت به تصمیمات و برنامه‌ها در مدیریت شهری است. به نظر می‌رسد شهروندان از شناخت و بینش کافی در نظارت همگانی بهره‌مند نیستند لذا آگاهی بخشی و ارائه آموزش‌های لازم به مردم و تمهید مشارکت آنان در مسائل مهم مدیریتی جامعه، امور عمومی و نیز سیاست‌های جنایی در امور قضائی و اجرایی، امری مهم و از موجبات گستردگی حضور آنان در تمامی عرصه‌های ملی و بین‌المللی در جهت صیانت و حمایت از حقوق خود و جامعه است. این آگاهی و حضور مشارکتی، باعث اصلاح تصمیم‌گیری‌های نظام حکمرانی در جهت مصالح عمومی است. در این میان نبود رسانه کارآمد است و همچنین اخبار مربوط به نقض پیاپی حقوق عمومی و نداشتن راهکار برای حل مسئله موجب بی‌تفاوتی مردم نسبت به اوضاع و احوال اجتماعی و کاهش شراکت فکری می‌گردد. حفظ نشاط و زنده نگهداشتن روحیه امید به آینده از عوامل مهم ارتقای روحیه تعهد درونی، پابندی، ایثار و نیک‌رفتاری در بین عموم است که همواره مورد تأکید رهبری معظم

انقلاب قرار گرفته است.

شرط اول مشارکت مردم برای صیانت از حقوق مردم اطلاع یافتن، روحیه انقلابی و دغدغه مندی آنها نسبت به مسائل اجتماعی است.

شرط دیگر؛ یادگیری توانایی ارتباط و مهارت رویارویی با موارد نقض حقوق عامه است که مدل سازی و شبکه سازی در این زمینه، نقش مؤثری در کیفیت مشارکت مردم ایفا می نماید. البته همواره برای برخی مردم انگیزه های مادی نیز مطرح می باشد؛ لذا پیش بینی پاداش برای گزارش های مهم از مصادیق نقض حقوق عامه می تواند در کشف و مقابله بهنگام مؤثر باشد. مردم باید نتیجه مشارکت خود را در زندگی شخصی و یا در سطح سکونت منطقه ای به صورت قابل لمس مشاهده کنند. به این منظور باید پیگیری شود تا هزینه این مشارکت ها کاهش یافته و سود و منافع فردی و محلی این مشارکت فهمیده شود.

ت- بایسته انسجام، یکپارچگی و هم گرایی ساختارهای موجود

باتوجه به ضعف های ساختاری، فرایندی و عملکردی موجود در دستگاه های متعدد مسئول در حوزه حقوق عامه و بین رشته ای بودن موضوعات به لحاظ علمی و مطالعاتی و بین بخشی و بین دستگاهی بودن مسائل به لحاظ اجرایی و نظارتی، لازم است این ساختارها به همراه دیگر عناصر و ارکان مشارکت اجتماعی، زمینه های یک هم گرایی قابل قبول را برای صیانت از حقوق عامه و جلوگیری از تکرار موارد نقض این حقوق فراهم کنند. رسیدن به این هدف در مواردی نیازمند اصلاح قوانین ساختارها، فرایندها و چرخه های ناقص و معیوب در بخش های مختلف کشور است.

بهبود کمی و کیفی شاخص های حکمرانی مطلوب، اصلاح نظامات مختلف اداری، بهبود شیوه های راهبری و مدیریت، خدمات صحیح و مدیریت شایسته، مسئولیت پذیری و پاسخ گویی موضوعاتی هستند که می تواند به کارایی و اثربخشی بیشتر و نیز اعتماد عمومی که لازمه اجماع همگانی و هم گرایی مؤثر است، کمک کند.

ث- بایسته روشمندی و هوشمندی نظارت ها

روشمندی نظارت ها، الکترونیکی و هوشمندسازی فرایندهای نظارت و همچنین هم گرایی اطلاعاتی از طریق نظام آماری جامع و تعامل بانک های اطلاعاتی دستگاه های نظارتی، لازمه کنترل اجتماعی به منظور کاهش موارد نقض حقوق عامه و کشف بهنگام آن است. در این خصوص بهبود روشمندی و شیوه های اجرای بند الف ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و ماده ۶۵ آیین نامه اجرایی قانون مزبور حائز اهمیت است. همچنین از این منظر ضرورت تقدم نظارت ها بر بازرسی ها با رویکردهای پیشگیرانه تقویت می گردد (حجتی و مزگی نژاد، ۱۳۸۷: ۴۹-۲۹).

ج- بایسته‌های نظارت همگانی مؤثر

سازوکارهای نظارت همگانی نیز می‌تواند از شیوه‌های مختلف از قبیل توسعه سامانه‌های گزارش‌گیری و شکایت شهروندان با هدف ایجاد بستر تعاملی مناسب، مدیریت منسجم و یکپارچه گزارش‌ها، برگزاری نشست‌های رودررو با شهروندان، ارتقای سامانه‌های شفافیت، مداخله‌دادن بسترسازی جلب مشارکت در ارزیابی‌های عملکرد مدیران دنبال نمود؛ لیکن اصلی‌ترین پشتوانه فعال‌کننده نظارت همگانی، توجه به مقوله مسئولیت اجتماعی است که در آن تمامی افراد در شبکه‌ای مترکم از وابستگی‌های متقابل، خود را متعهد و مسئول در برابر حفظ محیط، امکانات و ارزش‌ها دانسته و به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی اقدام به فعالیت می‌کنند. نظارت همگانی یک نظارت غیررسمی، مردمی و عمومی است. این نظارت می‌تواند سازمانی و یا انفرادی باشد که میزان تأثیرگذاری آن در نوع سازمان یافته بیشتر است.

نظارت همگانی، در قانون اساسی و دیگر قوانین جاری پیش‌بینی شده و راهکارهای متعددی برای گسترش آن تعریف شده است که از جمله آن‌ها، اصل ۸ قانون اساسی درباره نظارت عمومی و همگانی، اصل ۲۴ قانون اساسی درباره نظارت از راه آزادی مطبوعات، اصل ۲۶ قانون اساسی درباره نظارت از راه احزاب و تشکل‌های سیاسی، اصل ۲۷ قانون اساسی درباره نظارت از راه برگزاری تجمع و راهپیمایی‌ها و اصل ۱۷۳ قانون اساسی درباره رسیدگی به شکایت‌ها، تظلم‌ها اعتراض‌های مردم نسبت به مأموران یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی می‌باشد. (پیرعلی، ۱۳۹۰: ۶۷).

چ- بایسته رضایتمندی، اعتماد و سرمایه اجتماعی

ارتقای شاخص‌های حکمرانی مطلوب یا متعالی، مدیریت شایسته، بهبود وضعیت ارائه خدمات، ارتقای اخلاق و رفتار فردی و جمعی، افزایش اعتماد و موارد مشابه دیگر می‌تواند رضایت عمومی را به دنبال داشته باشد. تا زمانی که مردم از وضعیت کنونی احساس رضایت نداشته باشند و امید بهبودی وضعیت را در آینده به‌صورت خوشبینانه‌ای نداشته باشند از مشارکت در امور خودداری می‌کنند (باقری زنوز و علمی، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۲۵).

ح- گفتمان‌سازی و تدوین الگوهای همکاری جمعی و مشارکتی

برای دستیابی به سیاست‌جنایی مشارکتی پی‌شگیری بهتر از آسیب‌های اجتماعی و پاسخ‌دهی مناسب‌تر به موارد نقض حقوق عامه، نیازمند اصلاح و ترمیم برخی از رویکردهای سیاسی و سیاست‌های اجتماعی هستیم. در گام اول، در جهت دستیابی به مشارکت اجتماعی حداکثری، نیازمند نظام سیاسی و حاکمیتی با خصیصه مشارکت‌پذیری مطلوب‌تر هستیم. لازمه مشارکت اجتماعی، شکل‌گیری حاکمیتی مشارکت‌پذیر و جامعه‌ای مشارکت‌جو به موازات هم است. به اصطلاح

«مشارکت، مشارکت می‌آورد» که این امر نیازمند تقویت فرهنگ مشارکتی شهروندان نیز می‌باشد. مشارکت اجتماعی وظیفه‌ای همگانی است و به‌همین خاطر شبکه‌سازی و ارائه مدل‌های مناسب و ایجاد زمینه‌های انگیزشی مشارکت برای نقش‌آفرینی همگانی ضرورت دارد. مدیر اجرایی سازمان بین‌المللی شفاف‌سازی نیز اعتقاد دارد: تنها دولت نیست که مسئول کاهش فساد است. مجلس، نهادهای مدنی، صاحبان مشاغل، رسانه‌ها و حتی شهروندان عادی نیز در کاهش فساد مسئول هستند. از آنجا که فساد برای همه نامطلوب است، مبارزه با آن نیز یک مسئولیت مشترک است؛ به‌همین خاطر انجام این وظیفه نیازمند ایجاد بسترها و شبکه‌های مختلفی برای انسجام در همکاری است (جلیلی، ۹۷: ۳۴-۱). جهت شرکت در کنترل جمعی ایجاد پل‌های ارتباطی بین افراد و ساختارهای مختلف الزامی است. راه وصل شدن و ارتباط شخص با اشخاص، تشکیل شبکه‌های اجتماعی گوناگون است. به‌عنوان نمونه تشکیل شبکه اجتماعی در سطح منطقه و محله و ظرفیت‌سازی در این زمینه مقدمه مشارکت است. افزایش ظرفیت جامعه، تعامل سرمایه‌های انسانی - سازمانی و سرمایه‌های اجتماعی از طریق افزایش شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند برای حل مشکلات جمعی از جمله چالش‌های مربوط به نقض و دشواری کشف آن راهگشا باشد.

گسترده‌ی شبکه‌های اجتماعی مرتبط با پیشگیری، موجبات درگیر شدن گروه‌های مختلف مردم را با موارد نقض حقوق عامه را فراهم می‌سازد و این موضوع ثمره‌های بی‌شماری را به ارمغان می‌آورد. این شبکه‌ها نباید افراد جامعه را فقط در هنگام مشارکت طبقه‌بندی کنند و حتی المقدور باید راه را برای مشارکت همگان باز نمایند. گسترده‌ی‌های اجتماعی باید بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی را تحت پوشش خود قرار دهد تا احساس کم‌بودن در این جامعه و اجازه‌ی خطور افکار نادیده‌گرفته شدن و بی‌فایده‌بودن رشد ریشه نندواند. به‌طور مثال تأثیر مثبت این رویکرد را در مشارکت دادن مردم در امر گزارش ساختمان‌ها و مراکز ناایمن توسط دادستانی کل به‌عنوان یک تجربه موفق شاهد بودیم. (خلوصی، ۱۳۹۱: ۶۷-۴۵)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا چپستی حقوق عامه و جایگاه آن در سیاست جنایی ایران و اسناد بالادستی در قالب یک الگوواره بیان و اهمیت آن برجسته گردد. نقض حقوق عامه به‌عنوان یکی از آسیب‌های عمده و جدی در راستای تحقق حکمرانی مطلوب بوده و به ۲ جهت اصلی یقه سفید بودن اکثریت ناقضان این حقوق و فقدان بزه‌دیده خاص کشف به‌موقع و مؤثر این حقوق با چالش جدی مواجهه است در این راستا و باتوجه به جدیت قوه قضائیه به جهت تکلیف قانونی و تأکید مقام معظم رهبری در قالب فرامین و اندیشه‌های عام همت خود را درباره تحقق این حقوق مصروف دانسته است. شکل‌گیری و گسترش مشارکت عمومی بیش از هر چیز بسته به گرایش و خواست عامه مردم است.

نیازمند مشارکت‌پذیری ساختارهای سه‌گانه حکومتی است؛ چرا که هر سه نهاد به نوعی هم متولی شناسایی، ایفا و اجرا، احیاء و استیفای حقوق عامه هستند و هم خواسته و یا ناخواسته، گاه خود باعث نقض مصادیق این حقوق به شمار می‌روند. مشارکت‌پذیری ساختارهای موجود و افزایش مشارکت مردم در جهت صیانت از حقوق عامه باید هم در حوزه قانونگذاری و هم اجرای قانون و هم نظارت و احیای این حقوق در موارد نقض به صورت همزمان و به موازات یکدیگر دنبال شود؛ اما ضعف و عدم کفایت نظام حکمرانی در ابعاد مختلف و کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد به ساختارهای رسمی و بی‌تفاوتی اجتماعی، رسوب فرهنگ نامشارکتی و... از مهم‌ترین موانع مشارکت مردم در کنترل اجتماعی نسبت به نقض مصادیق حقوق عامه است که لازم است جهت کاهش این چالش‌ها راهکارهای مختلفی دنبال شود. ایجاد درگیری ذهنی در مردم، افزایش تعهد و وابستگی اجتماعی، تعریف و تبیین ارزش‌های جمعی، تعریف راه‌های نوین در جهت هم‌گرایی و نظارت همگانی، گفتمان‌سازی و تربیت الگوهای مشارکتی و فعال در این حوزه و از همه مهم‌تر شفافیت و جریان آزاد اطلاعات و نقش‌آفرینی بیشتر اصحاب رسانه می‌تواند به بهبود وضعیت در این رابطه کمک کند. عدم کفایت نظام حکمرانی مطلوب، اشکالات وارد بر شاکله نظام اداری و نظامات اقتصادی بانکی مالیاتی بورسی و خلأها و کاستی‌های قانونی در زمینه پیگیری حقوق عامه و دستورالعملی اقدام‌نمودن دادستان‌ها بدون مبنای قانونی، ضعف ضمانت اجرای ترک وظایف قانونی (ترک فعل‌های مدیران و کارمندان)، ضعف سامانه‌های شفافیت و جریان آزاد اطلاعات، ضعف نظام انتصابات شایسته، فراهم‌نبودن بستر مشارکت‌های مردمی و تشکل‌های مطالبه‌گری مردمی، تکثر و عدم انسجام و یکپارچگی نهادهای نظارتی و ضعف نظارت‌های الکترونیکی و هوشمند، نبود نظام جامع آماری در حوزه فراوانی نقض حقوق عامه، وجود ساختارها و فرایندهای فسادخیز و چرخه‌های معیوب و ناقص از جمله امضاءهای طلایی و موقعیت‌های رانت‌جویی و تعارض منافع، یقه‌سفیدبودن ناقضان حقوق عامه باعث گردیده تا کشف نقض حقوق عامه با دشواری همراه گردد. در این راستا گذر اندیشه به عمل و تغییر رویکرد و انگاره‌ها در راستای مواجهه فعال و پیشگیرانه از نقض حقوق عامه و رجوع به تفکرات و ظرفیت‌های سیاست جنایی مشارکتی و ایجاد مشوق‌های راهبردی و کارآ همراه با هوشمندی و صیانت از اطلاعات ناظران و گزارشگران و گذشت از نمادین‌گرایی و تولید گفتمان مشترک با جامعه و همچنین توسعه ضابطان تخصصی و تقویت نقش حمایتی و اجتماعی دادستان‌ها با پیش‌بینی ساختارهای مناسب در حوزه سرپرستی و امور حسبی در این‌باره قطعاً از عوامل مؤثر در کشف نقض حقوق عامه خواهد بود.

منابع

- اصحابی، فاطمه، پروین، خیرالله (۱۴۰۱)، آسیب شناسی احیای حقوق عامه از سوی دیوان عدالت اداری با تأکید بر مفهوم ذی نفع، دوفصلنامه فصلنامه‌های نوین حقوق اداری: doi: 10.22034/jmeal.2023.1975732.1026, 2(3), 55-79.
- ایوبی‌پور، محمد، حاکم قاسمی، محمدرحیم عیوضی، عین‌اله کشاورز ترک، و فرهاد درویشی سه‌تلائی (۱۴۰۱)، تصویرپردازی از حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اسناد بالادست، فصلنامه مدیریت اسلامی، ۳۰(۲)، ۱۷۱-۱۳۱.
- باقری زنوز، بهارک و محمود علمی (۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی؛ نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی در ایران. مطالعات جامعه‌شناسی، ۲(۵)، ۱۲۵-۱۳۸.
- ترکی، غلامعباس، هوشنگ شامبیاتی و محسن رهامی (۱۳۹۸)، بررسی فقهی حقوقی فساد مالی در آئینه سیاست جنایی تقنینی ایران، مطالعات فقه و حقوق اسلامی دوره ۱۱، شماره ۲۰.
- ترکی، غلامعباس (۱۳۹۹) واکاوی فساد مالی در ایران با تأکید بر سیاست جنایی تقنینی؛ نشر میزان، تهران، ۱۳۹۹.
- سلیمی، صادق، (۱۳۸۷) مجرمین یقه‌سفید و سیاست کیفری ایران، زمستان، دوره ۳۸، شماره ۴، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۱)، جنایات سازمان‌یافته فراملی، ناشران: جاودانه، جنگل.
- حجتی، سیدمحمدعلی و مرتضی مزگی‌نژاد، (۱۳۸۷)، تصمیم‌پذیری سیستم‌های هوشمند. حکمت و فلسفه، ۴(۱۳)، ۲۹-۴۹.
- حسینی نصرآبادی، نرجس‌السادات و نعمت‌اله ناروقه (۱۳۹۸)، تبیین و تحلیل افزایش امنیت اجتماعی در پرتو به‌کارگیری سیستم نظارت هوشمند انتظام اجتماعی، ۱۱(۱)، ۱۱۹-۱۴۲.
- خلوصی، محمدحسین (۱۳۹۱) شاخص مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، معرفت سیاسی، ۴(۲)، ۴۵-۶۷.
- فورچیهیگی، محمد (۱۳۹۴)، جرم‌شناسی جرائم یقه‌سفیدها، نشر دادگستر تهران.
- غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۷)، الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضائی، حقوق اسلامی، ۱۵(۵۸)، ۷۱-۹۲.
- مندنی، اسلام (۱۳۹۴) سیاست جنایی امنیت‌مدار و نظام کیفری حقوق بشر، تهران: مجد.
- مسعود راعی و علی زمانیان جهرمی، مسئله حقوق بشر در اندیشه مقام معظم رهبری، مطالعات انقلاب اسلامی، 14, vol. 48, no. 175-196, pp. ۱۳۹۶, [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/126993/fa>.
- موسی‌زاده، ابراهیم، علیرضا نصراللهی نصرآباد و مصطفی منصوریان (۱۴۰۲)، کاربست نظریه احیای حقوق عامه در دادرسی اداری (مطالعه آرای مؤسسان اساسی)، مجله حقوقی دادگستری، -، 87(123), 10.22106/ijl.2023.2006401.5355.

- نجفی توانا، علی و رضا حسینی (۱۳۹۳)، رویکرد سیاست جنایی تقنینی در قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸، فصلنامه علمی کارآگاه دوره ۸ شماره ۲۹.
- فاضلی، محمد و محدثه جلیلی (۱۳۹۷)، بررسی بین‌کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۲۹(۲) (پیاپی ۷۰)، ۱۹۱-۲۰۹. <https://sid.ir/paper/154894/fa>. SID.

